

هزینه سرویس و غذای دانش آموزان بازگردانده شود

اصل و شرح

رئیس سازمان مدارس و مراکز غیردولتی وزارت آموزش و پرورش با تأکید بر تفاوت شهریه با سایر هزینه‌های دریافتی مدارس غیردولتی، گفت: والدین در صورت برگزار نشدن فعالیت‌هایی مانند اردو، آموزش شنا، ایاب‌ذهاب و

انجام نشود، تخلف است و در شورای نظارت بررسی می‌شود. او با بیان اینکه مؤسسان مکلف هستند اگر در این خصوص هزینه‌ای دریافت کردند، عودت دهند تأکید کرد: والدین می‌توانند اعتراض و گزارش خود را در سامانه مشارکت‌ناگت کنند یا به صورت حضوری به بازرسی منطقه، بازرسی استان یا بازرسی وزارت آموزش و پرورش مراجعه کنند.

روایت شکست با لگو

درباره گروهی که طرح‌شان از تعقیب خلبان آمریکایی توسط عشاير خيلى‌ها را با کارشان آشنا کرد

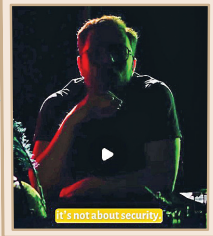
روایت

یونانی‌های لگویی جنگ ایران و آمریکا پیش از آنچه تصور می‌شد در فضای مجازی جهانی مورد استقبال قرار گرفته است؛ حتی بعد از اینکه یوتیوب کانال اصلی این ویدئوها را حذف کرد، حساب‌های کاربری خارجی انتشار آنها را ادامه دادند و اکنون محتوای «انیمیشن لگویی ایرانی» در یوتیوب، اینستاگرام، ایکس و... آمار بازدید زیادی کسب کرده است. پیام مشترک همه این ویدئوها، پیروزی ایران در مقابل هجوم آمریکایی-صهیونیستی و سردرگمی دونالد ترامپ در یافتن راه فرار است.

پیش از نهم اسفند ماه که دشمن به شهرهای ایران حمله کرد، یک جنگ دیگر هم در فضای مجازی شروع شده بود. ساخت یونانی‌ها به سبک انیمه‌های ژاپنی که شکست نیروهای آمریکایی-صهیونی در یورش به ایران را نشان می‌داد، مدتی قبل از نهم اسفندماه شکل گرفته بود ولی با شروع جنگ، ویدئوهای بیشتری با تکنیک‌های گوناگون

منتشر شدند. هرچه از جنگ تحمیلی سوم می‌گذشت، ویدئوها بیشتر مورد استقبال قرار می‌گرفت و کاربران غیرایرانی هم آنها را باز نشر می‌کردند. در پایان برخی از این ویدئوها، نشان سازمان اوج دیده می‌شود. نماینده سازمان اوج در پاسخ به سؤال همشهری، تأکید کرد که ویدئوها از سوی یک استودیوی مستقل تولید شده‌اند.

جوان‌های مستقل بدون نام



هویت سازندگان یونانی‌ها مشخص نیست و سازندگان هم تمایلی به معرفی خود ندارند. یکی از کانال‌های فعالیت در این حوزه کانالی با نام «اخبار انفجاری» بود که در یوتیوب ویدئوهایی به سبک «انیمیشن لگویی» با موضوع جنگ طلبی آمریکا و مقاومت ایران تولید می‌کرد. یک رسانه خارجی با یکی از دست‌اندرکاران تولید انیمیشن‌های لگویی این کانال گفت‌وگو کرد. جوانی که به نام‌بندی از تولیدکنندگان با این صفحه صحبت می‌کرد گفت که گروهی از دانشجویان نخبه این ویدئوها را تولید می‌کنند و هر یک در حوزه‌ای از روانشناسی تا سیاست خارجی تخصص دارند. او که چهره و نام خود را نشان نمی‌داد، تأکید کرد که ایران چهره رسانه‌ای متفاوتی دارد که جهان باید به آن عادت کند و آنها جوانانی با سبک و هویت مستقل هستند که از وطنشان دفاع می‌کنند. شبکه بی‌بی‌سی گزارشی از محصولات رسانه‌ای فضای مجازی ایران تهیه کرد و در آن با اشاره به استفاده از پدیده‌های جدید و جوان پسند مانند مداحی، ویدئوکلیپ، موسیقی رپ و انیمیشن‌های گوناگون بر «نشانی از جوان‌گرایی در جنگ نرم اواخر سال پیام به جامعه غرب و آمریکا» تأکید کرد.

از شاد شروع شد

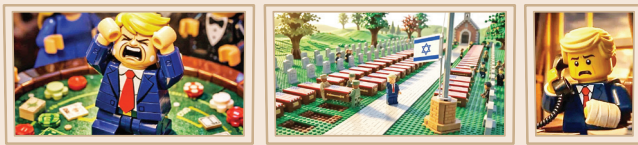
پیشینه فعالیت گروه «اخبار انفجاری» به برنامه‌شاد می‌رسد. مدتی قبل در این ایلیکیشن صفحه‌ای با همین عنوان شروع به کار کرد که به تناسب مخاطبان نوجوان از محتوای مناسب آنها استفاده می‌کرد. ویدئوهای کوتاه، تصاویر و بالاخره یونانی‌ها به تدریج جای خود را در میان مخاطبان باز کردند و برنامه شاد به دیگر رسانه‌ها راه یافتند. هم‌زمان تولیدکنندگان به سراغ تکنیک‌های جذاب‌تری رفتند و تعداد محصولات خود را هم بیشتر کردند تا جایی که برای هر خبر و تحول جدید ویدئوی مناسب آن را ساختند.

به دنبال خلبان گمشده

برخی از ویدئوهای لگویی بیشتر از بقیه مورد توجه قرار گرفته است. یکی از آنها یکی که به شهرت بیشتری رسید، تعقیب خلبان سقوط کرده در ایران توسط مردانی با لباس محلی بختیاری بود. ویدئوی دیگر ترامپ را نشان می‌دهد که تابلوی بیروزی را بر سر دست بلند کرده اما در پشت تابلو نوشته شده است «من بازنده هستم». با در ویدئوی دیگر ترامپ شاهد تظاهرات مخالفان در مقابل کاخ سفید است. یک ویدئو هم روایت مذاکره دو طرف در پاکستان است و هیات آمریکایی تلاش می‌کنند دکه قرمز رنگ اختلال در تنگه هرمز را فشار دهند اما دکه از دسترس آنها دور می‌شود.

جهان، عطش پیام‌های ضدترامپ را دارد

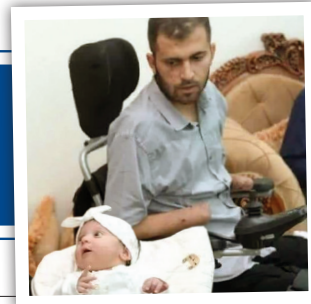
محمد لسانی، کارشناس رسانه از سواد رسانه‌ای یک متن داریم، یک زیر متن و فرامتن. متن همان محصول رسانه‌ای است که خواننده و مصرف می‌شود. زیر متن تکنیک‌های فنی است که برای تولید محصول استفاده شده است. اگر درباره این ویدئوهای که اخیراً در فضای مجازی دیده شده است، فقط به سراغ متن و زیر متن برویم اشتباه است؛ زیرا موفقیت آنها فقط به خاطر پیام و تکنیک نیست. آن چیزی که اهمیت دارد فرامتن است؛ فرامتن این است که ترامپ جنگ رسانه‌ای را شروع کرده که خیلی‌ها طرف او نیستند. در جهان خیلی‌ها هستند که عطش پیام جبهه مقابل ترامپ را دارند؛ جبهه ضد آمریکایی است. عطش پیام دارد. سانسور در اسپانیا و حتی یاب به صورت چهره این جبهه در آمده‌اند. یعنی یک طرف ترامپ قرار دارد و یک طرف ضد ترامپی‌ها. در عصر بساطت لذت مهم است و برای همین به چالش کشیدن ترامپ اهمیت پیدا می‌کند. الان تنور به چالش کشیدن ترامپ و استعمار جدید داغ است و نباید در همین پله اول بهمانیم. الان زمانی است که پتانسیل جبهه‌های را در پیشانی جبهه ضد ترامپ قرار دهیم تا میلیاردها نفر را نمایانگی کنند؛ میلیاردها انسانی که عطش کوبیدن به دهان ترامپ را دارند؛ همانطور که سید حسن نصرالله چهره مقاومت عربی را در مقابل اسرائیل نشان داد. الان برای رهبر سوم انقلاب ملاحظاتی امنیتی وجود دارد ولی اشخاص دیگری هستند که می‌توانند با طراحی مناسب نماینده آن جبهه میلیاردری باشند نه اینکه به توییט محدود شوند.



که گفته نمی‌شود، اما در جای خالی دستانتان، پیدا است. این قاب، وزنی از درد و در عین حال روشنائی از امید را در خود دارد؛ امیدی که چشمان این پدر و فرزند را به هم پیوند می‌دهد.

نوزاد تازه متولد شده‌اش را در آغوش نگرفته بود که دستانتان را برای وطن و پای لانچر فدا کرد. این سرباز وطن با تنی مجروح به فرزندش نگاه می‌کند. سکوت او پر از روایت‌هایی از وطن دوستی است

حسرت یک آغوش



آنها شکستند، ما می‌سازیم

گزارش میدانی همشهری از کارگاه شیشه‌بری جهادگران شرق پایتخت که روزهای شلوغی را سپری می‌کند

مکت

هدلی‌هایی که از شیشه شفاف‌ترند

حامد با مازیک آبی رنگ ابعاد برش‌های ایجاد شده در شیشه را روی همان شیشه می‌نویسد. شش دانگ خواش بی ابعاد و شیشه‌هاست تا اشتباهی رخ ندهد. لیست بلند بالای آمار شیشه‌هایی که توسط خیران و صاحبان کارخانه‌های شیشه‌سازی اهدا شده نیز در دست سهیل است؛ جهادگری جوان و اهل بزرگ که با دل و جان مشغول خدمت است. وقت استراحت، گوش می‌سپارد به درد دل آنها که آمده‌اند ستاد تا خسارت خانه‌شان را ثبت کنند؛ آنهایی که با وجود خسران، مهربانند و مهمان‌نواز؛ مانند ابراهیم نوری از اهالی قدیمی؛ «این بچه‌ها با اومدن شون امید آوردن... در خونه تک‌تک اهالی به روی همه‌شون باز... هر چند که هیأت امنای محل برای اسکان شون حسینی‌ه رو اختصاص دادن ولی خوب، کلبه درویشی ما هم هست...».

پی صحبت‌های او را فریدون احمدیان، رئیس هیأت امنای محله مسعودیه می‌گیرد: «خدا رو شکر که انفجار موشک توی اون شب، تلفات جانی نداشت. از خسارت مالی‌ش هم اگه بگذریم، می‌مونه این هدلی خدمت بی‌منت بچه‌های جهادگر و قدرشناسی اهالی.»
حاج‌فاضل تقی‌پور (مسئول کارگاه شیشه‌بری) از چگونگی پیوستن جهادگران استانی به ستادهای جهادی می‌گوید: «جهادگران اغلب در گروه‌های اینترنتی عضو هستند و پیگیر اخبار جهادی. هر زمان شهر یا محله‌ای اعلام نیاز کند بسیاری نشان داوطلب می‌شوند.» شیشه‌های و امیرعلی است. این از دستکش‌های برزنتی‌شان پیداست. سهم امروزشان نصب ۱۲ شیشه است. حاصل کار خیران و جهادگران کارگاه تاکنون به نصب بیش از ۶۰۰ شیشه برای بیش از ۵۰۰ خانه رسیده است.



سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | یکی از موشک‌های دشمن در روزهای جنگ، سهم آخرین خانه‌هایی شد که انتهای محله مسعودیه واقع‌اند؛ آنجا که انگار تهران از ضلع شرق، تمام و بلندی کوه سیاه (مسگر آباد) نمایان است. ساعت کمی از ۲۳ گذشته و بسیاری از ساکنان آن آخرین خانه‌ها، پرچم به‌دست به تجمعات شبانه و خیابانی پیوسته و تعداد انگشت‌شمار ییشان نیز در خانه

گزارش

مانده‌اند تا پیگیر اخبار جنگ باشند؛ اخباری که ناگهان در قد و قواره موشک فرو آمد؛ درست وسط آبار تمای نوساز و ۵ طبقه. فردای آن شب آوار شده اما روز متفاوتی بود. هم‌محله‌ای‌ها دست در دست جهادگرانی گذاشتند که از استان‌های گوناگون داوطلب هدلی شده بودند تا با راه‌اندازی ستاد جهادی مسعودیه (شامل کارگاه شیشه‌بری و تعمیرات ساختمانی) زخم جنگ را به حد توان، مرهم شوند.

هدلی برای پنجره خانه‌های دور و نزدیکی

یک طرف، ایستگاه صلواتی برپا می‌شود و طرف دیگر، چادر مدیریت بحران و کانکس ابزار و مصالح ساختمانی خودنمایی می‌روند و بعضی با شیشه‌هایی تازه برش‌خورده، خارج می‌شوند. حاج‌فاضل تقی‌پور، مسئول کارگاه شیشه‌بری جهادی می‌گوید: «جانمایی کارگاه شیشه‌بری جهادی در پارکینگ کارگاه انفجار موشک، آسیب دیده، هم از مهربانی صاحب ملک و هم از خوش‌فکری جهادگران است.» سمت راست کارگاه، کسانی پشت میز نشسته‌اند؛ میز ثبت خسارت شیشه‌ها و میز درخواست خسارت شیشه. پسر نوجوان محله همجوار نزدیک می‌آید و می‌گوید: «بخشید آقا، شیشه‌های خونه‌ها هم شکسته و هنوز نصب نشده. کجا درخواست بدم؟» کمی بعد، سعید، یکی از نیروهای اندازه‌گیر شیشه، نشانی خانه پسر نوجوان را به لیست باقی‌نشانی‌های همان روز اضافه می‌کند: «حله داداش... به ساعت دیگه میانه انداز ه می‌گیرم.» دور و اطراف ۳ میز برش که میانه پارکینگ کارگاه شده قرار دارند، شلوغ است. کنار یکی از میزها رضا ملکی تندتند با متر فلزی، عرض و طول شیشه‌ها را مطابق اعدادی که می‌میز (جهادگر) نوشته، اندازه می‌گیرد و تیغ فلز می‌کشد. شیشه‌بر است و ساکن همان حوالی؛ «برای اینکه کار سریع تر پیش بره از روزاول به جهادگرهایی که مشتاق بودن، شیشه‌بری یاد دادم.» آن سو تر، رسول با لباس نیشی بر شیشه که روی میز برش خوابانده شده، شکافی به قاعده دو و نیم متر می‌اندازد و بعد با ضرب دستی به خط شفاف برش را کامل می‌کند.

شیشه‌هایی که به جهاد، برش می‌خورند

برو و بیا، مقابل در شکسته پارکینگ یکی از آبار تمان‌های ابتدای کوه سلطانی زیاد است. بعضی با برگه کاغذی داخل می‌روند و بعضی با شیشه‌هایی تازه برش‌خورده، خارج می‌شوند. حاج‌فاضل تقی‌پور، مسئول کارگاه شیشه‌بری جهادی می‌گوید: «جانمایی کارگاه شیشه‌بری جهادی در پارکینگ کارگاه انفجار موشک، آسیب دیده، هم از مهربانی صاحب ملک و هم از خوش‌فکری جهادگران است.» سمت راست کارگاه، کسانی پشت میز نشسته‌اند؛ میز ثبت خسارت شیشه‌ها و میز درخواست خسارت شیشه. پسر نوجوان محله همجوار نزدیک می‌آید و می‌گوید: «بخشید آقا، شیشه‌های خونه‌ها هم شکسته و هنوز نصب نشده. کجا درخواست بدم؟» کمی بعد، سعید، یکی از نیروهای اندازه‌گیر شیشه، نشانی خانه پسر نوجوان را به لیست باقی‌نشانی‌های همان روز اضافه می‌کند: «حله داداش... به ساعت دیگه میانه انداز ه می‌گیرم.» دور و اطراف ۳ میز برش که میانه پارکینگ کارگاه شده قرار دارند، شلوغ است. کنار یکی از میزها رضا ملکی تندتند با متر فلزی، عرض و طول شیشه‌ها را مطابق اعدادی که می‌میز (جهادگر) نوشته، اندازه می‌گیرد و تیغ فلز می‌کشد. شیشه‌بر است و ساکن همان حوالی؛ «برای اینکه کار سریع تر پیش بره از روزاول به جهادگرهایی که مشتاق بودن، شیشه‌بری یاد دادم.» آن سو تر، رسول با لباس نیشی بر شیشه که روی میز برش خوابانده شده، شکافی به قاعده دو و نیم متر می‌اندازد و بعد با ضرب دستی به خط شفاف برش را کامل می‌کند.

فصل جهاد جهادگران

بیش از یک هفته است که روز و شب خود را اینجا پای کوه سیاه و کنار آن آخرین خانه‌ها که دچار انفجار موشک و موج ناشی از آن شده‌اند، سپری می‌کنند. صبح‌ها از حدود ساعت ۸ دست به کار می‌شوند. فرقی نمی‌کند به چه لباس و چه شغلی باشند؛ معمم یا شهروندی معمولی یا حتی درجه‌دار نظامی. قرار گذاشته‌اند می‌مزد، استین‌هایشان را بالا بزنند؛ از عرشیا که دهه نودی است به اوقات غیر از درس و مدرسه مجازی خود را همین جا به آماده کردن ملات گچ و سیمان، آن هم و درست اوستا گوهرز (جهادگر خرم‌آبادی) می‌گذرانند یا حمیدرضا تیموری که مسئول رسانه محلی مسعودیه-افسریه در یکی از پیام‌رسان‌های ایرانی است و سعی دارد با انتشار تصاویر و ویدئوهایی واقعی و امیدافزین، روزشماری از جنگ و جهاد، ثبت کند تا اکبر بنا که ۸۰ سال دارد و چند روزی است از مشهد آمده برای بازسازی خانه‌های آوار شده یا حاج‌فاضل تقی‌پور که مسئولیت کارگاه شیشه‌بری را برعهده دارد. دیگرانی هم مانند پدرام و سهیل از یزد، علی و سعید و میثم از گیلان، فیض‌الله و رضا و حامد از سنندج، گوشه‌ای از کار را دست گرفته‌اند. به گفته بدالله قزی، مسئول ستاد جهادی محله مسعودیه در بازسازی منازل آسیب‌دیده، در این محدوده بیش از ۳۰۰ جهادگر خدمات مختلف فعال بودند که در حال حاضر ۱۸۰ جهادگر همچنان فعالیت دارند.

